

مطالعه جامعه شناختی شکاف نسلی در بروز آسیب های اجتماعی در بین نوجوانان شهر تهران

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۵۱-۳۳

زینب مینقی اقدم^۱، خلیل میرزائی^۲، خدیجه سفیری^۳، عالییه شکریبیگی^۴

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

^۲ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران

^۳ استاد و عضو هیئت علمی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

^۴ استادیار و عضو هیئت علمی، گروه جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

خلیل میرزائی

چکیده:

پدیده شکاف نسلی میان والدین و فرزندان به منزله نسل دیروز و نسل امروز نیز در دهه های اخیر، به یکی از مسائل اساسی و عمده در حوزه آسیب شناسی خانواده تبدیل شده است. به عبارتی دیگر، یک دگرگونی و تغییری بنیادی در ساختار روابط بین والدین و فرزندان، در خانواده های مدرن و امروزی به چشم می خورد و از آنجائیکه خانواده به عنوان نخستین کانون تجربه زندگی مشترک و جامعه پذیری فرزندان، همان گونه که می تواند در کنترل انحرافات اجتماعی نقشی موثر داشته باشد، از سوی دیگر در صورت نا بسامانی و بحرانی بودن کانون آن در بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی از جمله بزهکاری بسیار تاثیرگذار خواهد بود. پژوهش حاضر با هدف مطالعه جامعه شناختی شکاف نسلی در بروز آسیب های اجتماعی در بین نوجوانان صورت پذیرفت. پژوهش حاضر از لحاظ داده ها یک نوع پژوهش توصیفی محسوب می شود و از لحاظ نوع اجرا از نوع پیمایشی و با در نظر گرفتن معیار زمان مقطعی است. جامعه آماری بررسی حاضر شامل خانواده های شهر تهران که دارای فرزندان ۱۰ تا ۱۹ ساله هستند، که با نمونه گیری بصورت خوشه ای چند مرحله ای به تناسب خانواده های ساکن در مناطق مختلف بابهرد برداری از فرمول کوکران، تعداد ۳۷۴ نفر انتخاب گردیدند. ابزار پرسشنامه و مصاحبه می باشد که برای تعیین روایی پرسشنامه از روش اعتبار صوری و برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و لیزرل استفاده شده است.

یافته ها نشان داد " شکاف نسلی با بروز آسیب های اجتماعی در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد" و همچنین با بروز آسیب های پر خاشگری، سرقت، ترک تحصیل، خودکشی، مصرف مواد مخدر و فرار از منزل نیز ارتباط معنادار و مستقیمی مشاهده گردید.

واژگان کلیدی: شکاف نسلی، آسیب های اجتماعی، خانواده، نوجوانان

۱- بیان مسئله:

امروزه سرعت تحولات اجتماعی روند شتابانی نسبت به دهه های قبل گرفته و در این بین تحرک بین نسل ها و شکاف نسل ها توجه بسیاری از دانشوران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. نسل جدید به دو دلیل به تغییرات علاقمند و در مقابل ارزش های جدید منعطف تر است، اولاً به سبب اقتضای سن، دارای طبعی نوخواه و در پی کسب هویت نو و استقلال شخصیت است؛ ثانیاً به دلیل قرار گرفتن در موقعیت حاشیه ای ساخت جامعه و گرفتار نبودن در دلهره منزلت، نسبت به دگرگونی رغبت بیشتر دارند. نکته قابل تامل این است که آیا اولویت های ارزشی دو نسل فرزندان و والدین، بیش از حد معمول متفاوت شده است و فاصله زیادی بین آنان وجود دارد؟

در این باره دو رویکرد وجود دارد. عده ای معتقد به شکاف در حد معمول میان اولویت های ارزشی والدین و فرزندان هستند و آن را امری طبیعی، ضروری و حتمی و مداوم می دانند و معتقدند فرایند جذب و دفع همیشه وجود داشته و اصولاً یکی از ویژگی های فرهنگی است. در رویکرد دوم نسل جوان امروزه به شدت تحت تأثیر ارزش های غربی قرار گرفته و در نتیجه دچار مسخ فرهنگی و دوری از فرهنگ سنتی می داند و نسل جدید اشاره می نماید. گروه اول معتقد به پیوستگی و تفاضل گزینشی هستند و بر این تأکید دارند که در ابعاد مهم زندگی پیوستگی بین نسل ها وجود دارد، ولی در ابعاد با کم اهمیت تر زندگی مثل عقاید سیاسی و تمایلات جنسی و عدم پیوستگی تفاضل وجود دارد. درباره اختلاف نسل ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی به کار رفته است. گاهی صحبت از تفاوت نسلی شده است. تفاوت اندک دونس در ارزش ها یا هنجارها یا در نگرش ها، طبیعی بوده و تقریباً در همه و زمان ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه ای روان شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر باز شناخته می شود. اختلاف دونس بعضاً در مفهوم انقطاع یا گسست نسلی بکار برده می شود و آن عبارت از اختلافی در ارزش ها یا هنجارها و نگرش هاست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می کوشند تا آخرین پیوندهای خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن کشی و طغیانگری می پردازند (برامکی، ۱۳۹۰: ۲۲).

جامعه ایران در چند دهه اخیر به دلیل قرار گرفتن در متن شرایط جدید اجتماعی و بین المللی و ارتباطات گسترده و تعامل با جوامع دیگر با دگرگونیهای مهمی رو به رو بوده است، بر این اساس خانواده به دلیل ساخت یابی آن در انطباق تحولات اجتماعی - فرهنگی جامعه همپای با سایر نهادها و اجزای جامعه و در جریان تحولات قرار گرفته است. این تحولات و دگرگونیها از جنبه های دموگرافیک نظیر: تغییر بعد خانوار، ترکیب اعضاء خانواده، میانگین سن ازدواج و ... تا دگرگونیها در نقشهای اعضاء، نوع روابط آنان با یکدیگر و کارکردهای اجتماعی، عاطفی و حمایتی خانواده را در بر می گیرد (خسرو شاهی، ۱۳۹۳: ۸۱).

نارسایی در انتقال میراث گذشتگان و تجربه های صحیح و کاربردی به دلیل آشکار کردن تضادها و ناهمگونی ها در خط مشی زندگی و اختلافات کلامی بتدریج یا یکباره به شکاف عمیق میان نسل ها دامن می زند و مشکل را حادتر می کند. تصویر ناعادلانه و مخربی که گاهی بزرگ ترها از نسل جوان می سازند و آنها را به بی اعتنائی نسبت به آموزه های دینی، ریشه های تاریخی و شئون اصیل رفتاری متهم می کنند، نتیجه همین ناتوانی در انتقال مفاهیم، دریافت بازخورد و اختلافات ناشی از رابطه ناقص است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۶).

به همین دلیل پدیده شکاف نسلی میان والدین و فرزندان به منزله نسل دیروز و نسل امروز نیز در دهه های اخیر، به یکی از مسائل اساسی و عمده در حوزه آسیب شناسی خانواده تبدیل شده است. به عبارتی دیگر، یک دگرگونی و تغییری بنیادی در ساختار روابط بین والدین و فرزندان، در خانواده های مدرن و امروزی به چشم می خورد. در خانواده معاصر، فاصله بین فرزندان و والدین شان به دلایل عمده ای از قبیل فردیت محوری، اهمیت یافتن حقوق فردی، کاهش شأن و منزلت مقام والدین، و دسترسی بسیار آسان فرزندان نسل جدید به وسایل ارتباطات جمعی و شبکه های اجتماعی روزه روز وسیع تر می شود.

بعبارتی اینگونه نیز می توان گفت که آسیب ها و مسائل اجتماعی محصول فرایند مختل شده جامعه پذیری و بازتولید آن در خانواده ها و جامعه است (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۸: ۶). شاید از همین روست که همه روزه به ویژه در کلان شهرهایی همچون تهران، بیش از پیش شاهد افزایش مشکلات و نابسامانی های خانوادگی و سیر صعودی آمارهای تکان دهنده و رو به رشد طلاق^۵، کودک آزاری^۶، همسرآزاری^۷، فقر^۸، بزهکاری^۹، اعتیاد^{۱۰}، خودکشی^{۱۱}، فرار^{۱۲} و ... که همگی حکایت از عدم رعایت حقوق و حریم خانواده توسط اعضاء آن را در مطبوعات و جراید مشاهده می کنیم. خانواده های آسیب دیده، افزون بر این که خود با مشکل رو به رو می شوند، جامعه را نیز به نوعی

^۵ Divorce^۶ Child Sadistic^۷ Spouse Sadistic^۸ Poverty^۹ Delinquency^{۱۰} Addiction^{۱۱} Suicide^{۱۲} Runaway

تحت تاثیر قرار می دهند، به گونه ای که جامعه نیز از وضعیت پدید آمده برای این خانواده ها زیان دیده و زمینه ی توسعه ی آسیب های اجتماعی را از محیط خانه به اجتماع فراهم می آورند.

۲- ضرورت و اهمیت:

شکاف نسلی مفهومی بسیار گسترده و پیچیده است که محدوده تحلیل و بررسی آن شامل اختلافات روانی، اجتماعی و فرهنگی از یک طرف و تفاوت در بینش و آگاهی، اعتقادات، پندارها، انتظارات، جهت گیری های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو یا چند نسل از طرف دیگر می باشد که این امور را بطور همزمان در یک جامعه مورد بررسی و کاوش قرار می دهد. از دیرباز تاکنون این موضوع توسط اکثر جامعه شناسان، روانشناسان، روانشناسان اجتماعی، مردم شناسان فرهنگی، صاحبان اندیشه های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در صورتی که انتقال فرهنگ با مشکل مواجه شود یکی از پیامدهای آن، شکل گیری پدیده تلخ اجتماعی شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل ها خواهد بود (موسوی، ۱۳۹۲: ۵۳). پژوهشی با عنوان مطالعات ارزش های جهانی در چهار نوبت ۱۹۹۵، ۱۹۸۱، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به بررسی ارزش ها و باورهای مردم تمام قاره های مسکون جهان پرداخته است (که شامل ۶۰ کشور و در برگیرنده ۷۵ درصد جمعیت جهان و از انواع متفاوت جوامع فقیر و غنی و از نژادها و فرهنگ ها و تمدن های گوناگون است) حاکی از تغییرات بزرگ در ارزش های مردمی جهان است. این تحقیقات بیانگر تحولی نظامدار در ارزش ها و باورهای مردم جهان و بازتاب تغییرات اقتصادی و فناوری های صنعتی و نقش رسانه های مسلط جهانی در گسترش ارزش های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین می توان شکاف نسلی را اختلاف در نگرش ها و باور ها و بینش های دو یا چند نسل داشت که بر اثر جامعه پذیر شدن متفاوت نسل ها، متاثر از عوامل سنی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و رشد و تحول شیوه های زندگی و حفظ دنیای سنتی یا ورود به دنیای مدرن زندگی و ... عارض گردیده است. (شفرز: ۲۰۰۵)

شکاف نسل ها جامعه را از تکاپو و اشتیاق نسل های جوان و تازه نفس محروم می سازد و عرصه را بر خلاقیت و نوآوری تنگ می کند. جامعه را از تبدیل شدن به یک پیکر واحد باز می دارد، انسجام سازنده آن را برهم می زند. تجارب پرسابقه و مهارت های ارزشمند رفتاری و عملکردی نسل های زنجیروار را عقیم می گذارد و راه های پیشرفت را مسدود می کند. جو اعتماد را از بین می برد و منافع فرد را بر مصالح جمعی مقدم جلوه می دهد. شکاف نسل ها در میان اعضای خانواده اختلاف و پر خاشگری به وجود می آورد و بحران های بیرونی را به محیط امن و آرام خانواده می کشاند، بر عصبیت اجتماعی می افزاید و موضع گیری افراد و گروه های سنی علیه یکدیگر را در عرصه های مختلف موجب می شود، پیوند های عاطفی را که لازمه حیات اجتماعی انسان است بتدریج ضعیف می کند و بیگانگی افراد یک خانواده، فامیل، محله و شهر را با یکدیگر رقم می زند. شکاف نسل ها بحرانی است که بحران می آفریند، بنابراین نگاه نافذ و بلندمدت همراه با برنامه های مدون و کارشناسی شده از جمله راههای کاهش آسیب های تربیتی و اخلاقی شکاف بین نسلی است و موضوع شکاف نسلی زمانی نمود بیشتری پیدا می کند که در این روند رو به پیشرفت، بیشترین تأثیرات متوجه قشر ضعیف تر جامعه گردد، بنابراین توجه به آن بسیار حائز اهمیت است.

خانواده به عنوان نخستین کانون تجربه زندگی مشترک و جامعه پذیری کودکان، همان گونه که می تواند در کنترل انحرافات اجتماعی نقشی موثر داشته باشد، از سوی دیگر در صورت نا بسامانی و بحرانی بودن کانون آن در بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی از جمله بزهکاری بسیار تاثیرگذار خواهد بود. به گونه ای که مسئولان بر این باورند که ۶۵ درصد کودکان بزهکار، از خانواده های نابسامان، از هم پاشیده و طلاق گرفته برخاسته اند. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در این باره می گوید: " فرار کودکان، بیماری های اخلاقی، اعتیاد، تعارض شخصیتی و افت تحصیلی از جمله معضلات ناشی از ناتوانی خانواده در برقراری ارتباطات سالم خانوادگی است (مک کارتی و هاگان، ۲۰۰۵)

مطابق آمار سازمان پزشکی قانونی، شایع ترین علل مرگ و میر جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال در ایران، در مرتبه ۹۵ اول، تصادفات رانندگی و سپس مسمومیت های ناشی از الکل، مواد مخدر و خودکشی بوده است (احمدی و معینی، ۱۳۹۴: ۲) شهر تهران نیز به عنوان یکی از کلان شهرهای ایران، از این امر مستثنی نیست و نتایج برخی مطالعات در این شهر نشان می دهد میانگین بزهکاری با مؤلفه های وندالیسم، خشونت، سرقت و تقلب، استعمال مواد مخدر، الکل و کجروی های فرهنگی برابر با ۴۵ درصد است (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۰۲) میانگین پر خاشگری روانی و فیزیکی نیز، برابر با ۶۲/۴۳ بوده است که میانگین مذکور، بیشتر از حد متوسط است (سعادت و عباس زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۹). میانگین گرایش به اغتشاشات شهری برابر با ۴۱/۱۳ درصد برآورد شده است (اسلامی بناب، ۱۳۹۲: ۹۳). در مطالعه حسنی نیز ۴۶ درصد خشونت، ۱۵/۳ درصد سرقت، ۴۶ درصد وندالیسم ۱۲/۹ درصد مصرف مواد و ۴۲ درصد کجروی جنسی برآورد شده است (حسنی، ۱۳۹۴: ۱۴) همچنین نزدیک به نیمی از جمعیت این کلان شهر (۴۶/۷۹ درصد) را جوانان تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

بر همین اساس، با بالغ شدن افراد، عناصری از جامعه که با آن تماس و ارتباط نزدیک و صمیمانه ای دارند، بر الگوهای رفتاری آنان تأثیر میگذارد. درحقیقت، شخصیت افراد از لایه لایه های همین روابط اجتماعی و از درون شبکه های اجتماعی ساخته و پرداخته و ارزش های

فرهنگی درونی می شود. علی الخصوص اینکه افراد باورهای اساسی خود را درباره مسائل مختلف اجتماعی از خانواده می گیرند و سپس وارد جامعه می شوند و در معرض باز اجتماعی شدن قرار می گیرند. خانواده به عنوان نخستین و اصلی ترین نهاد اجتماعی است که اهمیت و نقش اصلی و کلیدی را در موفقیت و روند رو به رشد و ارتقا آگاهی های هر شخص را دارد و این ضرورت بالا بردن سطح آگاهی ها در خانواده ها، بلاخص خانواده های محروم و مستضعف از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است با توجه به اینکه هر قدر خانواده که هسته اولیه جامعه باشد آگاه تر و سالم تر و از ارزشهای دینی، اخلاقی و رفتاری بهره مند باشد آن جامعه سالمتر روبه رشدتر می باشد.

۳- تعریف نسل:

بررسی مفهوم نسل نشان می دهد، تعاریف بسیاری از نسل شده است. با این حال وفاق کاملی در مورد معنای نسل وجود ندارد. شاید به این دلیل باشد که مفهوم نسل، مفهومی بسیار انعطاف پذیر است. (بالس، ۱۳۸۵: ۲۵) از یک جهت شاید بتوان گفت؛ یک نسل عبارت است از فاصله میان والدین با فرزندان که در این صورت شاهد حضور سه نسل در هر دوره خواهیم بود: پدربزرگ ها و مادربزرگ ها، پدران و مادران، فرزندان. (همان: ۲۷) اما از آنجا که همواره و به طور پیوسته فرزندی در هر جامعه متولد می شوند، نقطه مشخصی وجود ندارد که یک نسل را از نسل دیگر متمایز سازد.

از «کارل مانهایم» به عنوان آغازگر مباحث نظری پیرامون نسل نام برده شده است. وی سه جنبه را برای نسل تشخیص می دهد. ۱. جایگاه نسلی؛ ۲. نسل به مثابه یک واقعیت؛ ۳. واحد نسلی ۱۳ جایگاه نسلی، تعیین کننده حوزه کسب تجربه است و با افرادی که در دوره زمانی و فضای مشترک هستند سروکار دارد.

به معنای جابه جایی جمعیت در اثر زاد و ولد است.

هم دوره ای به معنی توالی جمعیت از طریق حرکت لایه های سنی است.

به عنوان نمونه جایگزینی جوانان به جای پیران با وجود حضور هر دو گروه یکی از مصطلح ترین معانی هم دوره ای است که در شرایط اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده اند و دارای حجم وسیعی از تجارب تاریخی مشترک هستند، مرتبط است. نسل به مثابه یک واقعیت، مرتبط با وجود عینی و ملموس احساس تعلق داشتن به هم نسلان است. یعنی یک فرد صرفاً زمانی احساس تعلق به یک نسل خواهد داشت که بخش عظیمی از گذشته، حال و آینده خود را همسان با هم نسلان خود بداند. بحث واحد نسلی، عمده ترین بحث مانهایم است. واحد نسلی از دیدگاه مانهایم به یک گروه سنی - زیستی اطلاق می شود که دارای ویژگی های زیر باشد: - موقعیت مشترک در حیات اجتماعی؛ این موقعیت تعیین کننده حوزه کسب تجارت ممکن در حیات اجتماعی است؛ - سرنوشت مشترک؛ - هویت مشترک.

«دیوید وایت» معتقد است نسل به واسطه وقایع و حوادث زیر ساخته می شود:

- یک واقعه فراموش نشدنی (همچون جنگ، مصیبت طبیعی و ...)

- عوامل سیاسی یا فرهنگی که بیانگر واقعه ای فراموش نشدنی باشند. (همچون انقلاب ها)؛

- تغییر ناگهانی در ساختار جمعیت که زمینه ساز توزیع مجدد منابع جامعه باشد؛

- شکل گیری فاصله طبقاتی جدیدی که زمینه ساز موفقیت یا شکست نسلی شود؛

- ایجاد یک فضای مقدس و پایداری آن در حافظه جمعی یک نسل. (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۸: ۳۵)

«دایتی» بر اهمیت تجربیات به عنوان عناصر ذهنی و فکری و اثرشان بر دوره جوانی و سال های شکل گیری هویت تأکید دارد. دایتی نیز همانند مانهایم بر این عقیده است که نسل به عنوان یک واقعیت در قالب واحدهای نسلی ظاهر می شود. واحد نسلی از نظر دایتی مهم ترین وجه نمادین یک نسل است که اعضای آن دید مشترکی از وقایع اجتماعی دارند. این مفهوم سازی به این اشاره دارد که اعضای یک نسل به لحاظ ذهنی از طریق نسل شان هویت می یابند.

«کرتزل» تعاریف مختلف نسل را به چهار گروه عمده تقسیم بندی کرده است:

- نسل همچون یک اصل و پایه نسبت خویشاوندی؛ - نسل به عنوان افراد گروه هم دوره؛ - نسل همچون مرحله زندگی؛ - نسل به عنوان دوره تاریخی. (Kertzel، ۱۹۹۸: ۲۰۵)

با توجه به دیدگاه های ذکر شده، در یک تعریف جامع می توان گفت: یک نسل به افرادی که در یک دوره تاریخی یکسان متولد شده اند، اشاره دارد؛ کسانی که در یک فضای اجتماعی - تاریخی یکسان زندگی می کنند و از تجربیات مشابهی در سال های شکل گیری هویت شان برخوردارند. این مفهوم سازی به این نکته اشاره دارد که اعضای یک واحد نسلی به لحاظ ذهنی از رهگذر نسل شان هویت می یابند و از طریق زیست جهان ۱۴ و سبک زندگی ۱۵ مشترک به یکدیگر مرتبط می شوند. سرنوشتی همسان و همگون برای خود و هم نسلان خود

¹³ Generation unit

¹⁴ Life-world

متصور هستند و از این طریق خود را از سایر نسل‌ها مجزا و متفاوت قلمداد می‌کنند. در حقیقت، عضویت نسلی در فرایند هویت‌یابی مبتنی بر برداشت خود/دیگری یا به صورت گروهی در قالب ما/دیگران، نوعی از آگاهی و معرفت نسلی ایجاد می‌کند که یک نسل را از نسل‌های دیگر متفاوت می‌سازد. بنابراین، عضویت نسلی بستگی به نظرها و دید ذهنی مردم از یک موقعیت اجتماعی و تاریخی خاص دارد. به لحاظ تحلیلی این نکته بر این امر دلالت دارد که در تحقیق تجربی نسل، باید هر دو جنبه ذهنی و عینی مورد توجه قرار گیرند. (بیات، ۱۳۹۰: ۹۲)

۴- شکاف بین نسلی از دیدگاه اسلام:

با توجه به جامعیت دین اسلام و اینکه اسلام تنوع میان انسان‌ها را تأیید و آن را در راستای اراده الهی قلمداد کرده است، نمی‌توان نظر اسلام را نافی پدیده شکاف بین نسلی دانست. خداوند درباره تنوعی که از ابعاد مختلف میان انسان‌ها وجود دارد، فرموده است: "وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا"؛ او به تحقیق، خداوند شما را به حالات و هیئت‌های مختلفی آفرید (نوح: ۱۴). علامه طبرسی این آیه را نشانه وجود تفاوت و تنوع بین انسان‌ها در ابعاد و سطوح مختلف، ارزیابی کرده است (طبرسی، ۱۳۸۰). روایات اسلامی درباره تربیت اولاد منطبق با آداب روزگار خودشان نیز ناظر بر پذیرش شکاف بین نسلی در برخی سطوح است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرموده است: "لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ؛ فرزندان را محدود به آداب خود نکنید؛ زیرا ایشان برای روزگاری غیر از روزگار شما آفریده شده‌اند" (تنکابنی، ۱۳۷۷). در این روایت، از محدود شدن تربیت فرزندان به آدابی که والدین، خود بر آن اساس تربیت شده‌اند، نهی گردیده و درباره علت آن به مقتضیات زمانی اشاره شده است. بر همین اساس می‌توان نتیجه گرفت که در اسلام، وجود شکاف بین نسلی در برخی سطوح، تأیید شده است. البته باید در نظر داشت که اسلام، همه چیز را تابع مقتضیات زمانی نمی‌داند و بر این اساس، قوانین به دودسته ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. شهید مطهری در این باره گفته است: یکی دیگر از خصوصیات دین اسلام که اهمیت فراوانی دارد، این است که برای احتیاجات ثابت بشر، قوانین ثابت و برای احتیاجات متغیر وی، وضع متغیری در نظر گرفته است. برخی از نیازها، چه در زمینه فردی و شخصی و چه در زمینه‌های عمومی و اجتماعی، وضع ثابتی دارد و در همه زمان‌ها یکسان است. آن نظامی که بشر باید به غرایز خود بدهد و آن نظامی که باید به اجتماع خود بدهد، از نظر اصول و کلیات، در همه زمان‌ها یکسان است... قسمتی دیگر از احتیاجات بشر، احتیاجات متغیر است و قوانین متغیر و ناثباتی را ایجاد می‌کند. اسلام درباره این احتیاجات متغیر، وضع متغیری در نظر گرفته است؛ از این راه که اوضاع متغیر را با اصول ثابتی مربوط کرده است و آن اصول ثابت در هر وضع متغیری قانون فرعی خاصی را به وجود می‌آورد.

۵- خانواده و برخی مصادیق موثر در شکاف نسلی :

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی و با این حال بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین واحد تربیتی در جوامع بشمار می‌آید، به گونه‌ای که این نهاد می‌تواند منشأ تحولات عظیم فردی، اجتماعی و رشد ارزش‌های انسانی در میان اعضای آن باشد، اما متأسفانه امروزه نسبت به گذشته به این نهاد کوچک اجتماعی بهایی کمتر داده شده و در نتیجه جایگاه ارزشمند و حیاتی این نهاد مقدس، در میان نسل جوان نیز رنگ باخته است. شکاف ارزشی درون خانواده و بین نسل‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که انتقال فرهنگی با مشکل روبه‌رو شود. از آن جا که انتقال فرهنگی بین انتقال کامل، یعنی بدون هیچ تفاوتی میان والدین و فرزندان، و انتقال کاملاً ناقص، یعنی بدون هیچ گونه تشابه بین این دو نسل، قرار دارد، اگر به هر یک از این دو شکل صورت گیرد، نوعی آسیب برای جوامع به شمار می‌آید، چرا که انتقال کامل اجازه نوآوری و تغییر و واکنش به موقعیت‌های جدید را به نسل جدید نمی‌دهد و در این صورت نسلی نو با مفهوم واقعی جامعه شناختی، که دارای تفاوت‌ها و نگرش‌های خاص خود باشد، پدید نمی‌آید. انتقال کاملاً ناقص هم اجازه کنش هماهنگ بین نسل‌ها را نمی‌دهد (موسوی، ۱۳۹۳: ۵۳).

در اهمیت شکاف نسلی می‌توان گفت که در جامعه جدید از یک سو تأکید بر ارزش‌های فردگرایانه باعث پیشرفت جامعه شده است و از سوی دیگر، تبعاتی مثل انواع انحرافات اجتماعی را در پی دارد. این در حالی است که به نظر روبرت نیزبت طی سال‌های اخیر تفاوت‌های میان ملاحظه‌ای میان ارزش‌های جوانان با والدین مشاهده می‌شود. همچنین، در دهه‌های اخیر موج مدرنیزاسیون که آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی، و بسیاری موارد دیگر را به همراه آورده موجب افزایش آگاهی‌های عمومی نسل جدید شده و حوزه ارتباطات انسانی و اجتماعی آن‌ها را وسیع‌تر کرده است (محمدی، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

امروزه آنچه با عنوان شکاف نسل‌ها از ناحیه آن احساس خطر می‌شود گسست تعارضات ارزشی بین والدین و فرزندان است که اذهان اندیشمندان، برنامه‌ریزان، و حتی توده مردم را نگران کرده است. شواهد حاکی از آن است که در سال‌های اخیر به تدریج

چالش بین والدین و فرزندان گسترش یافته است. اگر فاصله و جدایی بین اعضای خانواده عمیق شود، به تعارض بین نسل ها که همان شکاف نسلی است می انجامد. از آن جا که جامعه همیشه در مسیری رو به پیشرفت و در حال گذار است، باید توجه داشت که این دوران گذار تأثیرات مهمی در زندگی انسان و افراد جامعه می گذارد که با توجه به مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی هر جامعه ای این تأثیرات متفاوت خواهد بود (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۷). به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، موضوع شکاف نسلی تا پیش از پیدایش جامعه صنعتی مسئله ای درخور توجه نبوده و حتی پیش از قرن بیستم امری آشکار، به منزله مسئله ای اجتماعی، نبوده است. در گذشته علل بسیاری مانند اختلاف بسیار ناچیز در مراتب و موقعیت های اجتماعی گروه های سنی مختلف، رعایت اصل احترام به بزرگ ترها، انتقال طبیعی فرهنگ و رسوم جوامع به نسل جدید بدون هر گونه جهش، و وجود الگوهای واحد اندیشه و تفکر و رفتار در نسل ها سبب می شد تغییرات بسیار کند و بطئی باشد (شفرز، ۱۳۸۳: ۴۰).

یکی از مشکلات خانواده های آسیب دیده، ناکارآمدی ۱۶ و تطبیق ناپذیری ۱۷ آنهاست. به گونه ای که این نوع خانواده ها بخوبی وظایف خود را به لحاظ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تربیتی ایفا نمی کنند. همین امر باعث می گردد، فرزندان که در این نوع خانواده ها رشد می کنند، به دلیل کمرنگ شدن جایگاه خانواده در میان خود، به دوستان و اجتماعی روی آورند که مشوق و زمینه ساز عامل های آسیب زای فردی و اجتماعی هستند. در اینجا به برخی عوامل موثر در افزایش شکاف نسلی اشاره می گردد:

الف) عدم تعادل حرکتی بین دو نسل:

میل نسل گذشته، بیشتر به حفظ وضع موجود و تمایل نسل جدید تغییر آن است. به هر اندازه سن انسان بالاتر می رود معمولاً روحیه محافظه کاری در او تقویت می شود و تمایل و انگیزه اش برای ورود به دنیاهای جدید و تجربه هایی که با آنها احساس بیگانگی می کند، کمتر می شود. از سوی دیگر، نسل جدید به خاطر روحیه پویا و جست وجوگر خود تمایل بیشتری به تجربه های جدید دارد و معمولاً نه تنها از آنها هراسی ندارد، بلکه سعی می کند آنچه گذشتگان برایش ترسیم کرده اند را مورد تردید و پرسش قرار داده و خود دست به تجربه های نوین بزند. وقتی این روحیه نوجویی و تنوع طلبی در نسل جدید که خواهان تسریع درارتباط با دنیای امروز است، نتواند با آن روحیه محافظه کارانه یا حرکت آهسته تر نسل قدیم ارتباط متعادل و منطقی برقرار کند، طبیعی است که بین آنها فاصله ای ایجاد می شود. (ترابی، ۱۳۹۳)

ب) ضعف دیالوگ و گفت و گو بین دو نسل:

هر یک از نسل گذشته و نسل جدید با یکدیگر اشتراکاتی و افتراقاتی دارند؛ مثلاً در جامعه ما علقه ها و علاقه های دینی و ملی معمولاً هر دو نسل را به هم پیوند می زند؛ ولی از سوی دیگر، از آنجا که هر یک از این دو نسل متعلق به دو دوره زمانی مختلف هستند (دوره های زمانی که شاید بین آنها بیست و حتی ده سال فاصله باشد) به هر حال هر کدام تابع شرایط زمانی خود نیز هستند و با توجه به زیست بوم فکری و فرهنگی و عوامل تأثیرگذار بر آنها از یکدیگر متمایز می شوند. به این مطلب، تفاوت هایی که ناشی از اقتضات سنی، جسمی، روحی و سبک زندگی است، نیز اضافه کنید. را با توجه به آنچه گفته شد، اگر دو نسل باتوجه به موارد افتراقی که دارند، نتوانند غسل های معرفتی، روحی، روانی، فرهنگی و شخصیتی که بین آنها پدید می آید را به درستی ترمیم کنند و همچنین نتوانند یک نوع ارتباط و گفت و گوی معقول و منطقی بین خود ایجاد نمایند، چراغ رابطه بین آنها خاموش یا کم سو می شود و از هم دور می شوند (تیموری، ۱۳۹۱: ۲۲۱).

ج) عدم شناخت درست نسل گذشته از دنیای امروز:

عصر حاضر به درستی به نام عصر فناوری اطلاعات و عصر دیجیتالی شدن همه چیز و حتی انسان، شناخته می شود. فرایند تولید، توزیع و استفاده از فناوری های جدید، به ویژه فناوری های ارتباطی و اطلاع رسانی، آن چنان پرشتاب است که حتی کسانی که به طور جدی این فرایند را پیگیری می کنند، گاه از همراهی با آن در می مانند. شعار دنیای امروز این است که "اطلاعات، قدرت است" البته قدرتی که ثروت، شهرت، احترام و ده ها چیز دیگر را در پی دارد. به همین دلیل است که امروزه یک رقابت پایان ناپذیر بین جوامع مختلف و حتی بین شرکت های تولیدکننده اطلاعات، به ویژه غول های فناوری اطلاعات، درگرفته و هر روز شما شاهد یک فناوری یا ابزار جدید هستید و تا بیاید آن را بشناسید و از خوب و بد آن آگاه شوید یا از آن استفاده کنید، ابزاری جدید با امکاناتی جدیدتر به بازار عرضه می شود. در چنین وضعیتی کار برای نسل گذشته (و البته نسل فعلی هم) بسیار دشوار می شود. نسل والدین از یک طرف به سبب این سیر شتابناک و از سوی دیگر به دلیل مشغولیت های دیگری (چون تأمین هزینه زندگی) و از سوی سوم به خاطر تعلق خاطر کمتری که به این فناوری ها دارد،

¹⁶ Inefficiency

¹⁷ Maladaptation

معمولاً شناخت و استفاده کمتری از خود فناوری های ارتباطی و اطلاع رسانی دارد، چه رسد به اینکه بخواهد آنها را دست کم از منظر تربیتی و به ویژه تربیت اخلاقی مورد توجه قرار دهد و درباره استفاده خود یا نسل جدید از آنها تصمیم گیری نماید. وقتی این فقدان آگاهی و آشنایی در برابر آشنایی بیشتر و شوق روزافزون نسل جدید برای استفاده از فناوری ها قرار گیرد، کم کم موجب یک شکاف معرفتی بین دو نسل می شود. در اینجا البته تذکر این نکته لازم است که استفاده بیشتر نسل جدید از این فناوری ها لزوماً به معنای داشتن آگاهی جامع و همه جانبه نیست و داشتن آگاهی بیشتر هم لزوماً به معنای درست و قابل دفاع بودن همه این آگاهی ها نیست. در اینجا فقط سخن در این است که تفاوت معنادار معرفت و آگاهی و میزان استفاده از فناوری ها می تواند موجب شکاف و فاصله معرفتی شود و این شکاف می تواند موجب مشکلات تربیتی و اخلاقی شود (دانایی، ۱۳۹۲: ۱۰۲)

د) بحران اعتماد:

ما در جامعه خودمان درباره میزان اعتماد بین نسل گذشته و نسل جدید می توانیم طیفی از بدبینی و عدم اعتماد کامل تا خوش بینی مفرط و اعتماد کامل را مشاهده کنیم. برخی از والدین سبب اعتماد بیش از اندازه ای که به هر دلیل به فرزندان خود دارند، آنان را با فناوری های جدیدی که هر روز پا به عرصه ظهور می گذارد تنها گذاشته اند و درواقع به نوعی، خواسته یا ناخواسته، در قبال تربیت و اخلاق فرزندان شان از خود سلب مسئولیت کرده اند؛ از سوی دیگر، برخی از جوانان نیز به نسل گذشته خود اعتماد چندانی ندارند و دست کم آنان را درباره مواجهه با فناوری های جدید یا درباره ابزارها، روش ها و مبانی تربیت، صاحب صلاحیت کافی نمی دانند و درواقع اتوریته و حجیت آنان را در این زمینه نمی پذیرند یا با تردید به آن می نگرند. اینکه چرا این حالت های افراطی یا تفریطی پدید می آید، اینک محل بحث ما نیست؛ آنچه از منظر بحث حاضر باید بر آن تأکید شود این است که هر یک از این دو حالت افراطی و تفریطی منجر افزایش فاصله دو نسل می شود (توکل، ۱۳۹۰: ۲۲)

ه) تضعیف منابع تأثیرگذار سنتی نسبت به منابع تأثیرگذار جدید:

در زمان های گذشته معمولاً خانواده ها و اطرافیان نزدیک، مثل پدربزرگ ها و مادربزرگ ها و در مرحله بعد، کسانی چون روحانیون و معلمان، مهم ترین عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی فرزندان بودند. این ارتباط ها هم معمولاً به صورت حضوری و بود؛ اما در چند دهه اخیر با پیدایش و گسترش رسانه های، چون رادیو و تلویزیون، ماهواره، "چهره به چهره"، به قول معروف اینترنت، تلفن همراه و مانند آن تا اندازه ای از تأثیر آن عوامل تربیتی سنتی کاسته شده و روز به روز تأثیر عوامل جدید، بیشتر آشکار می شود. اگر شما به اطراف خود نگاه کنید، می بینید که به اندازه ای که بچه های امروز وقت خود را صرف دیدن تلویزیون یا مشغول بودن با اینترنت و تلفن همراه می کنند با اطرافیان خود، حتی گاهی با والدین خود، انس و الفت ندارند. از منظر تربیتی، ثمره این فرایند آن می شود که فرزندان ما، الگوها و اصول و مبانی تربیتی و شاخصه های اخلاقی خود را بیشتر از باعث فاصله افتادن بین نظام هنجاری، شاکله تربیتی و «می تواند» رسانه ها می گیرند تا والدین خود. این امر به نوبه خود شخصیت اخلاقی نسل جدید با نسل گذشته شود (سرای، ۱۳۹۰: ۵۵)

و) مسئولیت گریزی برخی بزرگ ترها:

واقع مطلب این است که بزرگ ترها، اعم از والدین و مدیر آن جامعه، درباره تربیت فرزندان و نسل جدید، به ویژه تربیت اخلاقی آنها، وظایف و مسئولیت های بسیار سنگینی دارند. در دستورات دینی ما همان طور که بر احترام به پدر و مادر سفارش شده، بر وظایف آنها نیز تأکید شده است. همان گونه که والدین وظیفه دارند که برای فرزندان خود غذای سالم فراهم کنند و مانع از آسیب و بیماری جسمی آنان شوند، همچنین وظیفه دارند که غذای روحی، فکری و تربیتی سالمی برای آنان تهیه کنند و درباره سلامت تربیتی و اخلاقی آنان حساسیت داشته باشند. امروزه فناوری های جدید در کنار مزایای غیر قابل انکاری که دارند، می توانند موجب مشکلات و آسیب های جدی اخلاقی و تربیتی برای فرزندان شوند. بنابراین، هرگونه بی خیالی و بی تفاوتی والدین و دیگر بزرگ ترهای جامعه، علاوه بر تشدید این آسیب ها، موجب عمیق تر شدن شکاف بین نسلی می شود (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۸)

ز) گسل های معرفت شناختی و جهان شناختی:

با توجه به ارتباط وثیق بین عمل و نظر انسان، هرگونه تغییر در "بینش و نگرش" انسان به جهان بر روی «کنش» او نیز می گذارد. به همین سبب است که برای تربیت افراد باید قبل از هر چیز، نوع نگاه آنها را تغییر دهیم تا اثرات این تغییر در اخلاق و رفتارشان مشاهده شود. اگر بخواهیم به موضوع گفت وگویی حاضر از این منظر بنگریم، باید بگوییم که نگاه نسل جدید به انسان و جهان و مراوده با دنیای امروز و بهره گیری از مزایای آن تا اندازه ای با نسل گذشته تفاوت کرده است. این نسل بیشتر تمایل به ارتباط گسترده تر با جهان و بهره گیری

بیشتر از مواهب و دستاوردهای آن دارد. این تفاوت نگرش در عرصه عمل و نظر، موجب ایجاد یا تعمیق گسل های بین نسلی می شود (عسکری ندوشن، ۱۳۸۹: ۴۱)

در ادبیات دینی ما تأکید شده است که «لا میراث کالدب» (بهترین چیزی که افراد می توانند از خود به ارث بگذارند، ادب و تربیت صحیح است). بر این اساس می توان گفت پدر و مادری که در راه تربیت فرزندان خود، به ویژه تربیت اخلاقی آنها، نتوانند توفیقی به دست آورند، وارثان خوبی هم از خود به جا نخواهند گذاشت. این امر البته خود تبعات دیگری را نیز در پی دارد، از جمله اینکه والدین مجبور می شوند هزینه های مادی، روحی، روانی، اجتماعی و تربیتی ناشی از تربیت نادرست فرزندان خود را نیز بپردازند؛ هزینه هایی که گاه بسیار سنگین است (فریدل، ۲۰۰۷: ۱۰۲)

ت) جایگزین شدن منابع و الگوهای تربیتی نامطمئن به جای والدین:

اگر فقط تلفن همراه را به عنوان یکی از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی عصر جدید در نظر بگیریم، می بینیم که هر روز یک امکان و یک برنامه یا بازی و سرگرمی جدیدی متناسب با این فناوری تهیه و به رایگان یا با هزینه ای اندک در اختیار کاربران قرار می گیرد. دسترسی به اینترنت نیز یکی از کاربردهای تلفن های همراه است که خود موجب می شود کاربران آن، با داده های فراوانی روبه رو شوند. جذابیت های پیدا و پنهان این امکانات از یک طرف و انس و ارتباط فرزندان با آنها از طرف دیگر، به مرور زمان موجب می شود که هر کدام به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نقش یک الگو یا مربی و آموزگار اخلاق و تربیت جدید برای فرزندان ظاهر شوند؛ مربیان و الگوهای که لزوماً همگی حامل و مبلغ ارزش های اخلاقی و اصول تربیتی قابل قبولی نخواهند بود. اگر والدین با نقاط قوت و ضعف این مربیان جدید آشنا نباشند و نتوانند فرزندان خود و را در این زمینه راهنمایی کنند هم خود هم فرزندان شان با مشکلات گوناگونی دست به گریبان خواهند شد (وان، ۲۰۱۰: ۵۷)

فاصله افتادن بین نسل گذشته، به ویژه والدین و بین فرزندان موجب می شود که آنها نتوانند اولاً از فرو افتادن فرزندان خود در این دام ها مطلع شوند و ثانیاً نتوانند برای راهنمایی اخلاقی و نجات به موقع آنان اقدامات لازم را انجام دهند (نبوی، ۱۳۹۰: ۱۱)

ط) محروم شدن از تجارب و راهنمایی های تربیتی و اخلاقی والدین:

شکاف بین نسلی اگر ناشی از عدم اعتماد دو نسل باشد، موجب می شود که نسل جدید نتواند از دانسته ها و تجربه ها و راهنمایی های نسل بزرگ تر خود استفاده نماید؛ تجربه هایی که در اثر گذر سالیان فراوان و سختی های بسیار به دست آمده و هم اکنون می تواند به آسانی در اختیار نسل جدید قرار گیرد. پیامد این امر، آن است که این نسل مجبور می شود هزینه های گزافی به سبب بی تجربگی خود بپردازد (گود، ۲۰۰۸: ۳۷)

خالی شدن صندوق ذخیره اخلاقی و تربیتی جامعه و تضعیف همبستگی و همگرایی اجتماعی (با توجه به نقش اخلاق و تربیت در ایجاد و تقویت این همبستگی از دیگر پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم فاصله افتادن بین دو نسل است) (عبداللهیان، ۱۳۸۹: ۱۱)

۶- آسیب شناسی اجتماعی:

آسیب شناسی اجتماعی، مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیمار یهای عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می شوند. در واقع با شکل گیری و رشد جامعه شناسی در قرن نوزدهم میلادی، بهره گیری از علوم مختلف برای تبیین فرایندهای اجتماعی نیز معمول شد، در نتیجه بسیاری از اصطلاحات و واژه های رایج در علوم دیگر چون زیست شناسی، پزشکی، زمین شناسی و مانند آن در جامعه شناسی نیز به کار گرفته شد که از جمله آنها می توان آسیب شناسی را نام برد. آسیب شناسی عبارت از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی ها در ارگانیسم انسانی است. بنابراین در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه، اصطلاح آسیب شناسی اجتماعی، برای مطالعه و ریشه یابی بی نظمی های اجتماع، به کار می رود. هر چند اکثر مشکلات اجتماعی، در طول نسل های مختلف تکرار می شوند، اما چنانکه مشاهده می شود بعضی از آنها در برخی نسل ها اهمیت بیشتری پیدا کرده است و حتی بعضی از این آسیب ها در نسل های بعدی زاده شده اند. از سوی دیگر، یک سری علت های غالب در هر جامعه وجود دارند که نسبت به سایر دلیل ها اهمیت بیشتری در بروز آسیب ها دارند، هر چند از انواع متمایز آسیب ها سخن می رود، اما عمدتاً همپوشانی هایی بین آنها دیده می شود. مفهوم آسیب شناسی اجتماعی، گستره ای بسیار وسیع و ابعاد ارزشی فراوانی دارد. آسیب شناسی اجتماعی مطالعه خاستگاه اختلالات، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی است. اگر در جامعه های هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتار آسیب می بیند. به طور خلاصه آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه علمی این گونه نابسامانیها و بی نظمی ها در جامعه انسانی است. (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۱)

۷- خانواده و آسیب های اجتماعی :

حال که خانواده را به عنوان بنیاد یتربن نهاد اجتماعی می شناسیم، این موضوع از سویی ناظر بر ابتدایی بودن این نهاد از نظر نخستین مواجهه افراد با نهادهای اجتماعی و قدیمی ترین نهاد از نقطه نظر تاریخی است و از سوی دیگر به اهمیت آن برای نظام اجتماعی دلالت دارد که نتیجه کارکردهای یگانه ای است که در حفظ و تداوم این نظام بر عهده دارد. خانواده، نخستین نهادی است که اراده نظام اجتماعی را، در جهت ثبات و تداوم بر اراده فرد تحمیل می کند. از سوی دیگر نخستین کارکرد خانواده، تولید و توارث است و از این نظر اراده نظام اجتماعی را به پویایی محقق می سازد. همواره مختصات جامعه مورد مطالعه از طریق روشن کردن روابط خانوادگی موجود در آن، قابل توصیف است، با توجه به اینکه خانواده و ثبات آن از اهمیت بالایی در جوامع برخوردار است، بی ثباتی و از هم گسیختگی آن، به عنوان کوچک ترین و مهمترین نهاد تشکیل دهنده جامعه، می تواند نقطه شروع بی نظمی و تزلزل در جامعه باشد. (بهرامی، ۱۳۹۵: ۵)

از آنجایی که تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به سرعت در جامعه به وقوع می پیوندد، بسیاری از خانواده ها به گونه ی نسبی در معرض آسیب قرار دارند، بنابراین این نهاد امروزه باید در قالبی منظم، هوشیارانه و دقیق عمل کند تا با بن بست و انحرافات ناشی از آسیب های اجتماعی ر و به رو نشود. خانواده مکانی برای تربیت و پرورش انسان هاست که تنها در صورت وجود سلامت روحی و روانی می تواند، انسان هایی پاک و سالم، تحویل اجتماع داده و بدین ترتیب مدعی ادای وظیفه ی اساسی خود شود. به همین دلیل حمایت از والدین و همچنین حقوق فرزندان و جایگاه آنان و توانمند کردن و قادر سازی خانواده های نیازمند، امری مهم و ضروری است چرا که به هر حال، ما ناگزیر از توجه ویژه به سلامت نهاد خانواده هستیم و در صورت کم توجهی به این نهاد کوچک و سست بنیان، بسیاری از آسیب های اجتماعی بزرگ در متن آن آماده ی شکل گیری خواهد بود (فولادیان؛ ۱۳۹۵: ۲۰۱).

خانواده اهمیت و نقش اصلی و کلیدی را در موفقیت و روند رو به رشد و ارتقا آگاهی های هر شخص را دارد و این ضرورت بالا بردن سطح آگاهی های فرهنگی در خانواده ها، بلاخص خانواده های محروم و مستضعف از اهمیت و اولویت بالایی برخوردار است زیرا در هیچ جامعه تا این اندازه در مقوله خانواده در انحطاط و سقوط نبوده و در معرض آسیبهای مختلف قرار نداشته است با توجه به اینکه هر قدر خانواده که هسته اولیه جامعه باشد آگاه تر و سالم تر و از ارزشهای دینی، اخلاقی و رفتاری بهره مند باشد آن جامعه سالمتر روبه رشدتر می باشد. فقدان یک اراده ملی برخاسته از درون دولت، ملت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی موجب گردیده است که نحوه برخورد با این پدیده، به دلیل عدم اجماع در میان صاحب نظران و به دنبال آن وجود توصیه ها و رهنمودهای متفاوت و بعضا متعارض و اتخاذروش های ناکارآمد در رفع آسیب ها، پیچیده تر شده و حل آن طولانی تر شود (ارائی، ۱۳۹۳) مطالعات نشان می دهد که مداخله های درمانی مناسب می تواند به میزان بسیار بالایی، خطر رفتارهای پرخطر از جمله اعتیاد، خودکشی و فرار نوجوانان را پیش و پس از اقدام کاهش دهد. با این حال هنوز درصد کمی از این افراد تحت درمان قرار می گیرند و همچنین به دلیل ماهیت خطر ساز بودن این افراد، پژوهش های اندکی در مورد درمان های مناسب و مدون با چهارچوب کنترل شده برای کاهش خطر خودکشی، فرار و سوء مصرف مواد انجام شده است (راد و همکاران؛ ۲۰۰۴: ۲۰۳).

به همین دلیل امروزه سرمایه گذاری و توجه هرچه بیشتر به خانواده، بیش از هر زمان دیگری در میان کارشناسان و صاحب نظران مطرح شده است، به گونه ای که دولت ها توجهی ویژه نسبت به رشد و توسعه ی کیفی خانواده مبذول داشته و با در اختیار قرار دادن امتیازها، تسهیلات رفاهی، آموزشی و مشاوره ای و روی هم رفته ارتقاء سطح بهداشت و سلامت خانواده، سعی بر افزایش کیفیت زندگی خانواده ها دارند، زیرا به گونه ی مسلم ارتقای سطح کیفی خانواده تاثیر مستقیم بر تربیت نسل های آتی جامعه خواهد داشت.

۸- نوجوانی:

نوجوانی دوره رشدی مهمی است که با فرایند شکل گیری هویت همراه است. در این دوره، نوجوان به دنبال این است که به سوالهای متعدد ذهن خود پاسخ دهد، و از تمام چالش ها به سلامت عبور کرده و یک هویت یکپارچه برای خود شکل دهد. شکل گیری هویت به عنوان فرایند انسجام تغییرات فردی، تقاضاهای اجتماعی و انتظارات برای آینده محسوب می شود. به دلیل اینکه نوجوانی یک دوره بحرانی از زندگی است، الگوهای رفتاری مهم و تاثیرگذار بر زندگی فرد، در این دوره شکل می گیرند. در نوجوانی، فرد جایگاه خویش را در خانواده، دوستان و جامعه تعیین می کند. عوامل اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی نقش مهمی در سوگیری رفتاری افراد به عهده دارند (هاشمی، ۱۳۹۶: ۱۳).

اغلب نوجوانان با خانواده، جامعه و بستگان دچار چالش هستند و ممکن است فشار این مشکلات نوجوان را در مرحله تصمیم گیری به سمت رفتارهای پرخطر بکشاند. جامعه امروز، نوجوان و خانواده را با نیازهای فراوانی روبرو می کند. در دوره نوجوانی افراد تجربه آموزی نموده و از این رو با خطرهای گوناگونی روبرو می شوند، در این مرحله نوجوان از خانواده به سوی جامعه کشیده می شود و در راستای به دست آوردن جایگاه اجتماعی می کوشد. در این دوران آنان ممکن است دوستانی برگزینند که والدین نپذیرند و یا پوششی داشته باشند که والدین آنها را

نپسندند و یا به مقایسه خانواده خود با سایر خانواده ها بپردازند. در این دوره نوجوان برای این که بتواند خود و جایگاه خود را در جامعه و خانواده ثابت کند و برای خود نقش و پایگاهی داشته باشد ممکن است به رفتار های مخرب و پر خطر روی بیاورد (همان: ۱۹). آنان این کارها را برای اثبات خود و عدم نادیده گرفته شدن و مرکز توجه قرار گرفتن انجام می دهد. از جمله این رفتارها، رفتارهای پرخطر است. رفتارهای پرخطر به رفتارهایی اطلاق می شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش می دهد و این رفتارها به آسیب های اجتماعی منجر می گردند و شامل رفتارهایی است که معمولاً تحت عنوان بزهکاری نوجوانان دسته بندی می شوند که شامل تخطی از قانون، نظیر تخریب اموال، سرقت، خشونت یا استفاده از سیگار، الکل، مصرف مواد، فرار از مدرسه، آتش افروزی، تجاوز به عنف یا تهدید می شود. ارائه اصطلاح سندروم رفتار مشکل ساز، مقوله های رفتارهای پر خطر را شامل سیگار کشیدن، مصرف مواد، الکل، رانندگی خطرناک و فعالیت جنسی زود هنگام می داند. مصرف مواد مخدر، خشونت و رفتارهای جنسی عامل بسیاری از مرگ و میرهای سنین نوجوانی و اوایل بزرگسالی است. بسیاری از رفتارهای پر خطر از قبیل مصرف سیگار، مواد و روابط جنسی نامطمئن در سنین قبل از ۱۸ سالگی اتفاق می افتند (حداد؛ ۱۳۹۴: ۵۹).

۹- مبانی تجربی یا پیشینه پژوهش:

کتابی با عنوان "جامعه‌شناسی نسلی" توسط دکتر آزاد ارمکی و دکتر غلامرضا غفاری با همین موضوع نگاشته شده که در آن مبانی نسلی تجربه تاریخی می‌باشد که افراد به پنج دسته بدون خاطره جنگ تا نسل قبل از انقلاب تقسیم‌بندی شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تفاوت‌ها به گونه‌ای نیست که بتوان از آن به انقطاع نسلی رسید. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اهمیت خانواده، ملیت ایرانی، نحوه گذران اوقات فراغت، تأکید بر ارزش‌های تلفیقی، مالکیت خصوصی و... توافق کلی بین نسلی وجود دارد. از طرفی نیز تفاوت‌هایی در حوزه‌های ارزشی، فردگرایی، مشارکت، دین‌گرایی، گروه‌های مرجع و نوگرایی وجود دارد. پژوهش الیاسی (۱۳۸۶) دربارهٔ سنجش رابطهٔ گسست نسلی با سبک فرزندپروری پدران انجام گرفت. این تحقیق، که با روش پیمایشی و در نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ پدر و دانش آموز و به صورت تصادفی صورت گرفت، نشان داد که اولاً، بین دو سوم نوجوانان و پدران آنان گسست روانی وجود داشت؛ ثانیاً، بین رشد اخلاقی پدران و میزان گسست روانی آنان با فرزندان شان رابطهٔ معناداری وجود داشت؛ ثالثاً، بین رشد اخلاقی پدران و همخوانی نگرش‌های سیاسی آنان با نگرش‌های فرزندان شان رابطهٔ معناداری وجود داشت. قدیمی (۱۳۸۸) در بررسی شکاف نسلی بین دانش آموزان زنجان که به روش پیمایشی انجام داده به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای مستقل (تحصیلات والدین، اعتماد اجتماعی، هم بستگی اجتماعی، احساس نابرابری، احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی اجتماعی، گرایش به اعتقادات دینی، استفاده از رسانه، و عوامل فردی) و میزان شکاف نسلی رابطهٔ معناداری وجود دارد. پورجلی (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر پدیدهٔ انسجام بین نسلی در میان جوانان و مقایسهٔ آن با والدین» انجام داده است. در این تحقیق که به صورت پیمایشی - توصیفی است جامعهٔ آماری تحقیق افراد ۱۵ تا ۵۴ سال زنجان بودند محقق به این نتیجه رسیده است که تفاوت معناداری بین دو نسل جوانان و والدین، زنان، میزان استفاده از رسانه‌ها، تحصیلات والدین با انسجام نسلی وجود دارد، ولی بین انسجام نسلی و اوقات فراغت، تعداد اعضای خانواده، و جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. محمدی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «شکاف نسلی خانواده‌های ایرانی» به تبیین عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، و شکاف نسلی پرداخته است. در این تحقیق که به روش توصیفی - پیمایشی بوده است محقق به این نتیجه رسیده است که عوامل سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی - اجتماعی در شکاف نسلی بین پدران، مادران، دختران، و پسران معنادار است، و پس از محاسبهٔ شکاف ارزشی کلی به این نتیجه رسید که میانگین ارزش‌های پسران و دختران تفاوت درخور ملاحظه‌ای با پدران و مادران داشت.

نتایج پژوهش لسل و همکاران (۲۰۱۰) با موضوع عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای پرخطر در جوانان نشان داد متغیرهای سن، سابقهٔ رفتار انحرافی در خانواده، همسالان کج رو، نظارت و کنترل والدین، تأثیر معناداری بر بروز رفتارهای مخاطره آمیز داشته است. پژوهش توبلر و کومرو (۲۰۱۰) با موضوع بررسی رابطه میزان کنترل والدین و بروز رفتارهای پرخطر در جوانان، نشان داد بین نظارت و کنترل والدین و تعاملات خانواده با بروز رفتارهای پرخطر، رابطهٔ معنادار و معکوسی وجود دارد. یافته‌های پژوهش سیموئر و متوس (۲۰۱۲) با موضوع عوامل مؤثر بر بروز رفتارهای پرخطر در فرزندان، نشان داد حوادث منفی زندگی (تجربهٔ خشونت و درگیری در خانواده، وجود انحراف در خانواده، وجود همسالان کج رو)، رابطهٔ معناداری با رفتارهای پرخطر داشته است. بخشی از نتایج وانگ و همکاران (۲۰۱۳) با موضوع بررسی رابطه سبک فرزند پروری با بروز رفتارهای پرخطر در فرزندان نشان داد سبک‌های فرزندپروری، کنترل والدین بر مصرف مواد، بزهکاری و رفتارهای پرخطر جنسی، تأثیرات معناداری دارند.

چانکاریکا و همکاران (۲۰۱۴) با موضوع بررسی دلایل بروز رفتارهای مخاطره آمیز در فرزندان نشان دادند بستر اجتماعی سبک زندگی دانشگاهی با مصرف الکل، فرصت های مناسب، کاهش نظارت، تفاوت های فردی و فرهنگی (مذهب، نگرش به جنس، انتظارات اجتماعی، طبقه اجتماعی)، نقش مؤثری در فراهم کردن رابطه جنسی مخاطره آمیز داشته است.

نتایج پژوهش وونگ تونگام و همکاران (۲۰۱۴) نشان داد همبستگی مثبت و مستقیمی بین وجود همسالان منحرف و استفاده از الکل و مواد مخدر وجود داشته است.

نتایج پژوهش وزینا و همکاران (۲۰۱۵) با موضوع نقش خانواده در بروز رفتار انحرافی نشان داد تجربه خشونت در خانواده، جامعه پذیری نامناسب، درک کم والدین، نظارت اندک والدین، وجود تنش و اختلافات خانوادگی، وجود همسالان ناباب و منحرف و رفتار های مخاطره آمیز، تأثیر معناداری بر بروز رفتارهای مخاطره آمیز داشته است.

۱۰- چارچوب نظری:

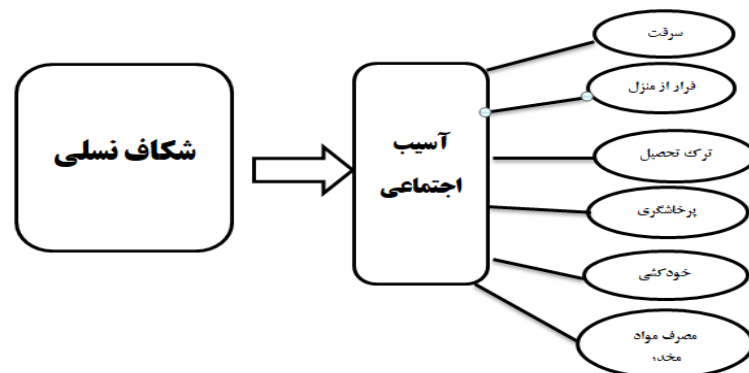
مانهیم عقیده دارد که اواخر نوجوانی و اوایل جوانی، در واقع سال های شکل گیری اصلی هستند که طی آن دیدگاه های فردی مجزا و متمایز درباره سیاست و جامعه در سطح وسیعی شکل می گیرد و تنها در این نقطه از چرخه حیات است که برخوردی زنده و نو با جهان اجتماعی - سیاسی بوجود می آید که در طول تاریخ بعدی زندگی فرد بندرت تکرار خواهد شد (شومن و اسکات، ۱۹۹۵: ۳۶۱) در نهایت علی رغم سنتز ارزش های قدیم و جدید در هر دوره، نوآوری های ارزشی و فرهنگی و تولید سبک های زندگی نو اساساً کارکرد نسل های نوظهور تاریخی است که معمولاً نسل های دیگر را که به سبک های معمول و جاری اندیشه و عمل عادت کرده و ذهنیات و انتظاراتی متفاوت با آنها دارند آشفته و بدبین و وحشت زده می کند و موجب تعارضات جدی نسلی می شود بطوریکه سیستم آموزشی جدیدی لازم می آید که نسل های قبل را طوری تربیت مجدد کند که خود را در برابر تغییرات فرهنگی تازه نیازمند و بتوانند با آن کنار بیایند (همان، ۱۰۲) در همین راستا بورديو نیز عقیده دارد که تقسیم قدرت و طبقه بندی براساس سن، همانند جنسیت و طبقه، در واقع در پی ایجاد نظم است که در آن هرکس سر جای خودش قرار گیرد (بورديو، ۱۹۸۴: ۱۴۴) از نظر بورديو جوان و پیر در میدان های مختلف اجتماعی بوجود می آید بنابراین رابطه میان سن اجتماعی و سن بیولوژیکی رابطه ای پیچیده است و همچنان که بورديو در مورد حوزه های مد و تولید هنری و ادبی نشان می دهد هر میدان - فضای روابط عینی میان کنشگران و عاملینی که جایگاههای مختلفی در این فضا دارند- دارای قوانین سنی ویژه ای است. پس باید قوانین کارکرد هر حوزه، مواردی را که بر سر آنها در حوزه معینی بین نسل های پیر و جوان دعوا و تنش وجود دارد و نیز تقسیم بندی هایی را که این مبارزه بوجود می آورد، شناخت (همان). بورديو با رویکرد عینی به تبیین تعارضات نسلی برحسب جایگاه استراتژیک و عصری هر نسل در رابطه با مجموعه ای از منابع و نبرد نسل ها برای استفاده انحصاری از منابع مذکور می پردازد (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۰۲)

دورکیم برای پدیده های اجتماعی دنبال علل اجتماعی بود و معتقد بود که عوامل اجتماعی از قبیل شرایط نامناسب خانواده، کمبود محبت، ناسازگاری والدین، طلاق، بزه کاری والدین، وضع نامناسب اقتصادی خانواده و... است که نقش تعیین کننده ای در بزهکاری و وقوع آسیب های اجتماعی برای افراد دارد (دورکیم، ۱۳۷۹: ۵۰۳) در اثر دگرگونی های اجتماعی، خانواده ها و کارکردهای آن نیز متحول می شوند و اختلافات ارزشی و هنجاری بین والدین و فرزندان بوجود می آید که می توان آن را نوعی فاصله نسلی تلقی کرد. این موضوع، سبب فاصله گرفتن آنها از سبک زندگی والدین و خانواده می شود. چنین وضعی درک و فهم والدین و نوجوانان و جوانان را از هم کم می کند و اختلافات بین آنان را دامن می زند. از طرف دیگر این شرایط سبب افزایش احساس تنهایی، انزوا، افسردگی، بزهکاری و انحرافات اجتماعی جوانان و نوجوان می شود و آنان را دچار انواع مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی می کند. لذا از این همین مسیر است که توجه و دقت در نظریه های یادگیری اجتماعی گریزناپذیر خواهد بود، نظریه های یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی را محصول یادگیری هنجارها، ارزش ها و رفتارهای مربوط به فعالیت های انحرافی می دانند. نظریه یادگیری بر فراگیری نگرشها، معاشرت ها و رفتارهای لازم برای تداوم زندگی منحرفانه تأکید می کند. این نظریه بر آن است که برای شروع یک زندگی توأم با کجروی، جوانان قانون شکن باید نگرشها، رفتارها و فنون لازم برای ارتکان انحراف و سپس غلبه بر آشفته گی عاطفی را یاد بگیرند (سیگل و سنا، ۱۳۸۴: ۲۵۹) در این میان خانواده بعنوان یکی از کارگزاران اصلی جامعه پذیری، مهارت ها و ارزش های اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی بهنجار را منتقل می کند. در مقابل، انزوا از خانواده یا بیگانگی با آن و به طور کلی، جامعه پذیری نادرست، اغلب فرد را با رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی مواجه میکند (park & buriel، ۱۹۹۸: ۴۶۳) بعبارتی دیگر شیوه های جامعه پذیری با استقلال فرزندان تغییر می یابد و این امر، خود ناشی از ورود جوانان به ساختارهای اجتماعی متعدد و متنوع است. این امر به شکاف نسلی، کاهش کنترل والدین در خانواده و جایگزینی فرهنگ جوانان منجر می شود که در آن، اقتدار والدین کاهش می یابد و بستر برای بروز رفتارهای مخاطره آمیز فراهم می شود. براین اساس، برو جاکوبسن و همکاران معتقدند

شکاف نسلی قشر جوان در رابطه با مسائل اجتماعی، به طور عمده بر سکس، مصرف الکل، مواد مخدر و بطور کلی، رفتارهای مخاطره آمیز متمرکز است (Falk, ۲۰۰۵: ۲۲)

نظریه پردازان کنترل اجتماعی معتقدند افراد به این علت از قانون اطاعت می کنند که رفتارها و ایده های آنان با نیروهای بیرونی و درونی کنترل می شود. به نظر آنان، رفتار افرادی که فعالیت های منحرفانه انجام می دهند با وابستگی و تعهد به مردم، نهادها و فرایندهای مرسوم کنترل می شود. اگر این تعهد و الزام از بین برده، آنان در زیر پا گذاشتن قانون آزاد خواهند بود (حسینی نثار و فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۰۱) نظریه کنترل بر این نکته تأکید دارد که پیوندهای سست بین افراد و جامعه، آنان را آزاد می گذارد تا منحرف شوند حال آنکه پیوندهای محکم موجب می شوند انحراف تاوان سختی داشته باشد (استارک، ۱۳۹۵: ۲۲۲) بر همین اساس، اف.ایوان نای، بیشترین نرخ رفتار انحرافی در بین جوانان را ناشی از روابط خانوادگی ضعیف و کنترلهای اجتماعی اندک می داند. از نظر تروایس هیرشی بدون کنترل های اجتماعی و در صورت نداشتن حساسیت و علاقه به دیگران، جوان برای ارتکاب اعمال مجرمانه آزاد است. وی چنین فرض می کند که رفتارهای انحرافی و پرخطر، زمانی رخ می دهد که پیوند فرد با جامعه سست یا شکسته می شود (hirschi, ۱۹۶۹: ۲۵۳)

۱۱-مدل مفهومی:



۱۲- فرضیه های تحقیق:

- به نظر می رسد شکاف نسلی با بروز آسیب های اجتماعی در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛
- به نظر می رسد شکاف نسلی با وقوع سرقت در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛
- به نظر می رسد شکاف نسلی با میزان پرخاشگری در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛
- به نظر می رسد شکاف نسلی با وقوع خودکشی در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛
- به نظر می رسد شکاف نسلی با ترک تحصیل در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛
- به نظر می رسد شکاف نسلی با مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛
- به نظر می رسد شکاف نسلی با وقوع فرار از منزل در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد؛

۱۳-تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

تعاریف نظری:

الف) شکاف نسلی

شکاف نسلی مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، و فرهنگی و تفاوت معنادار بینش و آگاهی، تصورات، انتظارات، جهت گیری های ارزشی، و الگوهای رفتاری میان دو نسل را هم زمان در یک جامعه بررسی می کند (محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

ب) آسیب های اجتماعی

هر رفتاری که برخلاف هنجارها و فرم های اجتماعی از فرد سرزده و کارکرد وی را مختل نماید و به تبع آن کارکرد خانواده و جامعه را تحت الشعاع قرار دهد (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۵۲۴)

تعاریف عملیاتی

الف) شکاف نسلی

برای سنجش شکاف نسلی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده خواهد شد که شکاف نسلی را در شش بعد نوع پوشش، استفاده از اینترنت و ماهواره، سن، تحصیلات، درآمد و اعتماد اجتماعی مطرح و آن ها را با استفاده از ۳۰ سوال مورد سنجش قرار خواهیم داد.

ب) آسیب های اجتماعی

برای سنجش آسیب های اجتماعی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده خواهد شد که آسیب های اجتماعی را در شش مولفه سرقت، مصرف مواد مخدر، پرخاشگری، فرار از منزل، ترک تحصیل، خودکشی مطرح و آن ها را با استفاده از ۲۶ سوال مورد سنجش قرار خواهیم داد.

۱۴- روش پژوهش:

پژوهش حاضر از لحاظ داده ها یک نوع پژوهش توصیفی محسوب می شود. در پژوهش های توصیفی می توان ویژگی های جامعه مورد مطالعه را از طریق پیمایش ارزیابی کرد و از پرسشنامه برای گردآوری داده ها استفاده شده، از لحاظ نوع اجرا از نوع پیمایشی و با در نظر گرفتن معیار زمان مقطعی است. ابزار پرسشنامه و مصاحبه می باشد که برای تعیین روایی پرسشنامه از روش اعتبار صوری و برای محاسبه پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده می گردد. از پرسشنامه به صورت بسته پاسخ (در قالب طیف لیکرت) و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و لیزرل استفاده شده است .

۱-۱۴- جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری:

جامعه آماری بررسی حاضر شامل خانواده های شهر تهران که دارای فرزندان ۱۰ تا ۱۹ ساله هستند ، می باشد که از بین آنها اقدام به نمونه گیری بصورت خوشه ای چند مرحله ای انجام شد. بدین معنا که به تناسب خانواده های ساکن در مناطق مختلف، خانواده های دارای فرزند ۱۰ تا ۱۹ ساله تعداد ۳۷۴ نفر انتخاب گردیدند.

۲-۱۴- اعتبار و پایایی ابزار پژوهش

اعتبار ابزار پژوهش:

اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا مشخص شده است ". اعتبار محتوا که به آن اعتبار منطقی نیز گفته میشود بر این امر دلالت دارد که آیا شیوه ابزار جمع آوری داده ها به خوبی معرف همان محتوایی است که باید اندازه گیری شود .به سخن دیگر در اعتبار محتوایی به توانایی یا قابلیت گویه ها یا اقلام ابزار یا شیوه جمع آوری داده ها برای پوشش کل محتوای یک سازه معین توجه میشود(میرزایی، ۱۳۸۸ ص۳۲۷) که میانگین کل CVR ابزار برابر با ۰.۸۷۷ به دست آمد.

پایایی ابزار پژوهش

پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است .در روش آلفای کرونباخ بین نمره ی تک گویه ها با کل نمره های ابزار یا آزمون همبستگی گرفته میشود و در آن فرض بر این است که انتظار میرود افراد که در گویه ی معینی نمره معینی را می گیرند در گویه های دیگر نیز آنگونه عمل نمایند، چون همه گویه های ابزار طراحی شده در راستای سنجش یک چیز یا خصیصه ی معین هستند("میرزایی، ۱۳۸۸ ص۳۲۰)، آلفای کرونباخ در تمامی شاخص ها بالاتر از ۰.۷۷ بدست آمد.

۳-۱۴- شیوه تجزیه و تحلیل داده ها:

برای تجزیه و تحلیل داده ها، با توجه به سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی، از آماره های توصیفی و استنباطی (میانگین، میانه، نما به عنوان شاخص مرکزی و پراکندگی، نمودار، جداول توزیع فراوانی، رگرسیون و ضریب همبستگی و...) با بهره برداری از نرم افزار آماری SPSS و لیزرل انجام می گردد. در این پژوهش از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن جامعه آماری استفاده شده است. همچنین برای دست یابی به نتایج دقیق تر و به عنوان مکمل از معادلات ساختاری (لیزرل)، نیز برای به دست دادن روابط دقیق بین متغیرها استفاده خواهد شد.

۱۶- نرمال بودن توزیع داده‌ها

از آنجایی که انجام آزمون‌های پارامتریک احتیاج به آزمودن نرمالیتی داده‌ها دارد، از این رو این آزمون در این بخش صورت پذیرفته و نتایج ارائه شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها در پژوهش حاضر از بررسی چولگی و کشیدگی داده‌ها بهره برداری شده است. از آنجا که برای پاسخگویی به سؤالات تحقیق از طیف ۵ سطحی لیکرت استفاده شده است، مقادیر میانگین در بازه ۱ تا ۵ قرار می‌گیرد. انحراف معیار نیز نشان‌دهنده نحوه پراکندگی مقادیر یک متغیر حول میانگین آن متغیر است.

جدول ۱. خلاصه وضعیت متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
شکاف نسلی	۳.۰۴۸	۱.۲۴	۱.۲۶	۴.۸۶	-۰.۰۷۸	-۱.۸۰۹
سرقت	۲.۷	۱.۳۲	۱.۰۰۰	۳.۵۷	.۳۶۸	-۱.۴۳۰
پرخاشگری	۳.۳۰۲	۰.۸۱۷	۱.۸۵	۴.۷۱	-۰.۰۰۱	-۱.۴۶۵
مصرف موادمخدر	۲.۷۸۴	۱.۲۶	۱.۰۶۷	۵	.۲۹۳	-۱.۵۰۱
خودکشی	۱.۷۵۲	۰.۴۲۶	۱.۰۰۰	۳.۱۴۳	.۳۷۲	-۰.۲۵۸
ترک تحصیل	۳.۰۰۵	۰.۶۰۹	۱.۷۱	۴.۴۳	.۰۰۷	-۱.۰۵۹
فرار از منزل	۳.۱۶	۰.۶۶۳	۱.۲۸۶	۴.۵۷	.۰۴۶	-۰.۹۰۸

به دلیل استفاده از طیف ۵ سطحی لیکرت در پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه، عدد ۳ به عنوان عدد وسط یا ممتنع تلقی شده و فرض صفر به این صورت خواهد بود که میانگین مقادیر بدست آمده در نتیجه پاسخ‌ها، از میانگین فرضی آزمون (عدد ۳) کمتر و وضعیت ادراکی جامعه از آن متغیر نامطلوب است؛ زیرا پاسخ‌های آن حول میانگین بوده و به عدد خاصی تمایل ندارد. نتایج آماری نشان می‌دهد که میانگین پاسخ به متغیرها در مقایسه با مقیاس سنجش بالاتر از حد متوسط است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت ادراکی جامعه از متغیرهای تحقیق در حد مطلوبی قرار دارد. علاوه بر این کشیدگی و چولگی به‌دست‌آمده از هر متغیر در بازه ۲- و ۲+ قرار دارد بنابراین داده‌های تحقیق دارای توزیع نرمال هستند.

۱۷- نتایج فرضیه‌های تحقیق

در این بخش فرضیه‌های پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری مورد آزمون قرار می‌گیرد. منظور از برازش مدل این است که تا چه حد یک مدل با داده‌های مربوطه سازگاری و توافق دارد. لذا در این قسمت به ارزیابی برازش مدل مفروض پژوهش پرداخته می‌شود تا از سازگاری آن با داده‌های پژوهش اطمینان حاصل گردد و در نهایت پاسخ سؤالات پژوهش استنتاج گردد. بررسی برازش مدل مفهومی مدل در دو مرحله صورت پذیرفته است. نخست ارزیابی برازش بخش اندازه‌گیری مدل و دوم ارزیابی برازش بخش ساختاری مدل، که در ادامه به تفصیل در مورد آن‌ها بحث شده است. با توجه به مدل برازش داده شده فوق، مشاهده می‌شود که مقدار سطح معنی داری (۰/۰۸۲۹) بزرگ تر از ۰/۰۱ می‌باشد که نشان‌دهنده تایید فرضیه صفر مبنی بر مناسب بودن مدل مفهومی تحقیق می‌باشد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تاییدی مدل کلی تحقیق

نوع شاخص	شاخص برازش	مقدار مطلوب	نتیجه
شاخص‌های برازش تطبیقی	IFI	۱-۰	۱
	CFI	>۰.۹۰	۱
	NNFI	>۰.۹۰	۱
شاخص‌های برازش مقتصد	RMSEA	<۰.۰۸	۰.۰۱۶
	PNFI	>۰.۹۰	۰.۹۱
شاخص‌های برازش مطلق	کای ۲ بر درجه آزادی	۵-۱	۱.۰۹
	GFI	>۰.۹۰	۰.۹۲

جدول فوق شاخص‌های برازش مدل کلی تحقیق را نشان می‌دهند. با توجه به مقادیر بدست آمده، داده‌های جمع آوری شده برای اندازه‌گیری متغیرهای پنهان از کفایت و برازش لازم برخوردارند و در نتیجه، نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش، قابل اتکا و مورد اعتماد می‌باشد. هم چنین مقدار آماره RMSEA که برابر ۰.۰۱۶ می‌باشد بدلیل کوچک‌تر بودن از مقدار ۰.۰۸ که معیار مناسب تری از مقدار سطح معنی داری آزمون کای دو می‌باشد. مناسب بودن مدل را تایید می‌کند. بنابراین می‌توان نتایج بدست آمده را با نتایج جامعه تطبیق داد.

مقادیر قرار داده شده بر روی هر یک از پیکان ها در جدول فوق نشان دهنده می دهد که آیا هریک از روابط نشان داده شده معنی دار است یا خیر. به طوری که اگر مقدار این T-Value از مقدار ۱.۹۶ بیشتر باشد، رابطه نشان داده شده معنی دار است. بنابراین با توجه به شکل فوق ملاحظه می کنیم که تمامی روابط معنی دار می باشد.

۱۸- نتایج آزمون فرضیات تحقیق

۱۸-۱- شکاف نسلی با وقوع سرقت در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده، ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر شکاف نسلی بر وقوع سرقت در بین نوجوانان شهر تهران برابر ۱ می باشد، همچنین مقدار آماره تی برای این ضریب برابر ۲۱.۱۸ می باشد و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان از معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که شکاف نسلی بر وقوع سرقت در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط مثبت و معناداری دارد. باتوجه به تاثیر انکار ناپذیر شکاف نسلی بر وقوع سرقت؛ علی الخصوص در بین خانواده های مناطقی که در طبقه اقتصادی پایین قرار دارند؛ میتوان اینطور نتیجه گرفت که افراد طبقات پایین در رسیدن به اهداف و آرزوهای خود احساس محرومیت و ناکامی می کنند و در چنین وضعیتی، افراد به منظور تامین نیازهای روانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود مرتکب رفتارهایی می شوند که از سوی جامعه مناسب تلقی نمی شود. لذا با توجه به نتایج پژوهش و مطالب مذکور باید گفت، آموزش والدین به منظور افزایش توانایی ایجاد ارتباط با فرزندان، خصوصا در مواجهه با تفاوت های دیدگاهی نسل ها، آنان می تواند گام بسیار مهمی در جلوگیری از ظهور بسیاری از انحرافات باشد. همچنین توجه جدی والدین در جهت تقویت روابط دوستانه، محبت آمیز و به دور از تبعیض با فرزندان؛ این امر کانون خانواده را به محیطی آرام و سرشار از مهر و محبت تبدیل کرده و نقش به سزایی در افزایش احساس تعلق و دل بستگی نسبت به خانواده دارد

۱۸-۲- شکاف نسلی با میزان پرخاشگری در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر شکاف نسلی بر میزان پرخاشگری برابر ۱ می باشد، همچنین مقدار آماره تی برای این ضریب برابر ۱۵.۴۵ می باشد و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان از معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که شکاف نسلی بر میزان پرخاشگری در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط مثبت و معناداری دارد. لذا تعلیم و تربیت در زندگی بشر اساسی ترین جنبه زندگی است؛ به گونه ای که انحراف در آن باعث انحراف در همه امور زندگی می شود. در همین نگاه توجه به این امر خطیر ضروری است که پیشگیری از آسیب های اجتماعی، مجموعه به هم پیوسته راهبردهایی است که افراد جامعه قادر هستند در زندگی به صورت خودکنترلی افکار و اندیشه های گرایش به آسیب را فراموش نموده و از ارتکاب آن پرهیز نمایند. بنابراین جلوگیری از آسیب های شکاف نسلی می تواند منجر به کاهش بروز پرخاشگری در نوجوانان گردد.

۱۸-۳- شکاف نسلی با مصرف موادمخدر در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر شکاف نسلی بر مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان شهر تهران برابر ۰/۹۹ می باشد، همچنین مقدار آماره تی برای این ضریب برابر ۱۶.۹۹ می باشد و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان از معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که شکاف نسلی بر وقوع مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط مثبت و معناداری دارد. شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت های دانشی، گرایشی و رفتاری ما بین دو نسل با وجود پیوستگی های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میان سال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می کنند اطلاعات، گرایش ها و رفتارهای متفاوت دارند. بقای هر جامعه در طول زمان مشروط به انتقال قاعده مند و بدون انقطاع نهادها و ارزش ها از نسلی به نسل دیگر است. در واقع تداوم هر جامعه ای در گرو انتقال فرهنگی است. برخی وجود تعارض و تضاد بین والدین و نوجوانان را شکاف نسلی دانسته اند و معتقدند این تعارض بخش جدایی ناپذیری از تحول نسل ها است. درنتیجه کاهش شکاف نسلی میان والدین و فرزندان؛ خصوصا نوجوانان؛ می تواند منجر به کاهش گرایش و مصرف مواد مخدر در نوجوان گردد.

۱۸-۴- شکاف نسلی با خودکشی در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر شکاف نسلی بر وقوع خودکشی در بین نوجوانان شهر تهران برابر ۱ می باشد، همچنین مقدار آماره تی برای این ضریب برابر ۱۵.۴۸ می باشد و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان از عدم معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که شکاف نسلی بر خودکشی در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط مثبت و معناداری دارد. همتراز نبودن سطح تحصیلات والدین با فرزندان، عدم درک مقابل میان فرزندان و والدین و عدم آشنایی والدین با ویژگی های شخصیت و نیازهای دوران بلوغ فرزندان از مهمترین مصادیق شکاف بین النسلی است. این شکاف موجب شده که رفتارهای مناسب و متناسب با انتظارات و توقعات میان والدین و فرزندان حاصل نشود و فرزندان با سرکوب غرایز و خواسته های خود

روبرو شوند و گفتمانی منطقی میان والدین و فرزندان در جریان نباشد همچنین فرزندان در این ناکامی ها از محیط پیرامون خود الگوگیری کنند. همچنین عواملی از جمله ترس، آرزو، تخیل، تهدید و همچنین مسائل عاطفی، روانی، اقتصادی و فرهنگی موجب می شوند تا فرد در اقدامی هیجانی و برای نجات خود از این شرایط اقدام به خودکشی بکند که متأسفانه در این اقدام راهی برای پشیمانی و بازگشت نیز باقی نمی ماند

۵-۱۸- شکاف نسلی با ترک تحصیل در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر شکاف نسلی بر ترک تحصیل در بین نوجوانان شهر تهران برابر ۰/۹۹ می باشد، همچنین مقدار آماره تی برای این ضریب برابر ۱۷۳۶ می باشد و کمتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان از معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که شکاف نسلی بر ترک تحصیل در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط مثبت و معناداری ندارد. زمانی که جوانان می پندارند که از سوی والدین و اطرافیان خود درک نمی شود، انگیزه انجام کارهای ناهنجار و ضد قانونی در آنها چندبرابر می شود؛ البته شدت این پیامدها با توجه به جامعه و تحولات آن و نیز نوع خانواده (سنتی، مدرن یا بینابین بودن) متفاوت است. باتوجه به اینکه شکاف نسلی موضوعی کهن و جزیی از زندگی بشر محسوب می شود؛ و از تمایزهای دوقطبی و شدید بین نسلی حکایت دارد که صورت بیرونی آن به شکل کشمکش و تعارض های بین نسلی حکایت می کند. این مساله در صورت عدم مدیریت صحیح، می تواند عامل مهم مشکلاتی از جمله گرایش به اعتیاد در جوانان باشد. لذا با آگاهی، آموزش و مدیریت صحیح این مساله؛ می توان مانع از بروز آسیب های اجتماعی خصوصاً اعتیاد شد.

۶-۱۸- شکاف نسلی با وقوع فرار از منزل در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد.

با توجه به نتایج بدست آمده ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر شکاف نسلی بر وقوع فرار از منزل برابر ۱۰۱ می باشد، همچنین مقدار آماره تی برای این ضریب برابر ۱۶۴۳ می باشد و بیشتر از ۱/۹۶ می باشد که نشان از معنی داری این ضریب در سطح خطای ۵ درصد است. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل، حاکی از آن است که شکاف نسلی بر وقوع فرار از منزل در بین نوجوانان ارتباط مثبت و معناداری دارد. لذا در مساله شکاف نسلی، در صورت عدم مدیریت صحیح، نسل فاصله گرفته به سوی رفتارهای ضد اجتماعی و یا هویت منفی کشیده می شود، لذا با توجه به ویژگی ها و حساسیت های مخصوص سنین نوجوانی؛ گسست نسل ها اگر به تقابل نسل ها منجر شود آنگاه فرار از خانه می تواند از مهمترین نتایج حاصل از این مشکل باشد که خود علت وقوع دیگر آسیب های اجتماعی خواهد بود. نکته: باتوجه به ادبیات پژوهش؛ و تایید تمامی فرضیه های پژوهش و همچنین مقدار که تایید صحت مدل است نتیجه می شود که فرضیه اصلی مبنی بر " شکاف نسلی با بروز آسیب های اجتماعی در بین نوجوانان شهر تهران ارتباط معنادار و مستقیمی دارد" تایید می گردد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های بالا همسو با نتایج تحقیقات کریمی مزیدی و همکاران (۱۳۹۲)، سجودی (۱۳۹۲)، حامدوپیشنگ (۱۳۸۹)، صادقی فرد (۱۳۸۹)، انیل (۲۰۰۷)، کریمی مزیدی و همکاران (۱۳۹۲) و سعادت (۱۳۹۹) همسو می باشد.

۱۹-پیشنهادهات:

توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها مبتنی بر این که وجود شکاف نسلی می تواند منجر به وقوع آسیب های اجتماعی شود؛ و کاهش شکاف نسلی می توان احتمال بروز آسیب های اجتماعی از جمله: وقوع سرقت، پرخاشگری، مصرف موادمخدر، خودکشی، ترک تحصیل، فرار از منزل گردد؛ بنابراین، به منظور کاهش بروز آسیب های اجتماعی در جامعه پیشنهادهای ذیل طرح می شود:

- تعامل و گفت و گوی نسل قدیم و نسل جدید (جوانان) و مذاکره بر سر ارزش های مورد منازعه این دو نسل بر اساس الگوهای منطقی
- اهمیت دادن نسل قدیم و بزرگسال به انتظارات و ارزش های نسل جدید
- انتقال ارزش های و هنجارهای جهت دهنده به نسل های حاضر توسط بزرگسالان با قراردادن خود به عنوان الگوی مناسب
- کاهش شکاف ارزش های دو نسل با استفاده از کارگاه های فرهنگی و آموزشی برای ایجاد هدفی مشترک برای داشتن زندگی سالم و مفید.
- با توجه به معناداری رابطه همنشینی با همسالان و دوستان منحرف با شکل گیری رفتار انحرافی و یادگیری رفتارهای پرخطر در جوانان، نظارت بر تعاملات اجتماعی فرزندان، بسیار موثر است و می توان با رویکردی منطقی، عواقب تعاملات اجتماعی با افراد منحرف را به جوانان گوشزد کرد برای جلوگیری از این فرایند آسیب زا (همنشینی و تأثیر دوستان ناپایب و منحرف)، کنترل و اقناع جوانان از طریق مذاکره و استدلال، کارایی مطلوبی دارد.

در این رابطه، پیشنهادهای ذیل مطرح می شود

- ✓ تعامل بین نظام خانواده و جوانان برای حل مسائل و مشکلات پیش آمده؛
- ✓ تعیین معیارهای اجتماعی و هنجارین دوستی و رفاقت از سوی گروه های مرجع؛
- ✓ آموزش مهارت های دوست یابی و تعیین الگوهای مناسب دوستی توسط نهادهای اجتماعی مربوط.
- با توجه به اهمیت رسانه ها در شکل گیری افکار، عقاید، واقعیات و همچنین تأثیر آن بر بروز رفتارهای پرخطر، اقدام مناسب برای سیاست گذاری اجتماعی فرهنگی مطلوب و مخاطب پسند در رسانه ملی و شبکه های مجازی، ضروری به نظر می رسد؛ به گونه ای که گرایش مخاطبان به رسانه های جمعی متضاد با ارزش های اجتماعی، کمتر شود. بر این اساس، پیشنهاد های زیر مطرح می شود:
- ✓ برگزاری جلسه های هم اندیشی بین متخصصان و روانشناسان خانواده و جوانان تحت پوشش امداد امام ره؛
- ✓ تشکیل کارگروه های ویژه برای خانواده ها و استفاده از متخصصان و مددکاران حوزه مسائل و آسیب های اجتماعی، پزشکان اجتماعی و روان شناسان در این کارگروه ها
- ✓ تدارک برنامه های فرهنگی و آموزشی مرتبط با رفتارهای پرخطر برای مدارس و دانشگاه ها توسط رسانه ها؛
- ✓ تهیه و ساخت پویانمایی های اخلاقی و فرهنگی ؛
- ✓ کنترل برنامه های خشن و غیر اخلاقی و مدیریت بازی های رایانه ای آسیب زا توسط خانواده-پایبندی رسانه ها در اطلاع رسانی صحیح اخبار و رویدادهای جامعه به شهروندان و پرهیز از بزرگ نمایی، سانسور و دروغگویی

۲۰-منابع و مواخذ:

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران، پژوهشکده علوم انسانی اجتماعی
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، فرایند تغییر نسلی، بررسی فراتحلیل در ایران، فصلنامه ی 41 جوانان و مناسبات نسلی، شماره ی اول
۳. آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۳) شکاف نسلی در ایران، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، شماره ۴
۴. احمدی، حمید، ۱۳۹۴، هویت ملی ایران، بنیادهای چالش‌ها و بایسته ها، نامه پژوهشی فرهنگی، شماره ششم، تابستان.
۵. الیاسی مرتضی، (۱۳۸۶) مبانی تصمیم گیری امام خمینی (ره)، مجله پژوهشهای مدیریت راهبردی، شماره ۲۳ و ۲۱
۶. بالس، کریستو (۱۳۸۵) شکاف نسلی، ترجمه حسین پاینده، ارغنون، شماره ۱۹
۷. بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۰): نظریه کنش دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران، نقش و نگار، جلد اول.
۸. پورجلی احمد (۱۳۹۱). شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره 23
۹. چیت ساز قمی، محمدجواد، (1386)، بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، فصلنامه ی علوم اجتماعی
۱۰. عسکری ندوشن، عباس؛ (۱۳۸۹)، آرمانگرایی توسعه و تغییرات خانواده (با تأکید بر متغیرهای جمعیتی در ایران)، مطالعه موردی در شهر یزد. پایان نامه دکترای جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
۱۱. عبداللهیان، حمید؛ (۱۳۸۹) نسل ها و نگرش های جنسیتی، سنجش آگاهی از تعارض در نگرش های جنسیتی. پژوهش زنان، دوره 2
۱۲. رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۸۸) رویکردهای نظریه هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت الله صدیق، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول
۱۳. شفرز، برنهارد (۲۰۰۵)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، مترجم: کرامت‌اله راسخ، تهران: نشر نی.
۱۴. موسوی سیدعلی (۱۳۹۲)، «خانواده، شکاف نسلی و رسانه‌ها»، مجله علوم اجتماعی رسانه و خانواده، ش ۴
۱۵. معیدفر، سعید (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۴.
16. Friedl, Esmal, Tribal Enterprises & Marriage Issues in Twentieth Century Iran”, In B.Doumani (ed).
17. Family History in the Middle East: Household, Property & Gender, State University of New York, 2007
18. Bourdieu, Pierre; Loic Wacquant. (2002). An Invitation to Reflexive Sociology. New York: Polity Press.
19. Wehmeier, Sally and Ashbly, Michael (2000), Oxford: Advanced Learner's Dictionary (sixth edition), oxford university press.